

هشت مارس با صدائی رسا با همه زنان جهان علیه ستم جنسی ، علیه جنگ !



بیش از صد سال پیش در سال ۱۹۱۰ هنگامیکه کلارا زتکین و لونیس زیتز سوسیالیست آلمانی پیشنهاد روز جهانی زن را در کنفرانس زنان سوسیالیست مطرح کردند ، علاوه بر خواست حق رای برای زنان ، مبارزه علیه جنگ ، علیه افزایش قیمتها ، برای خدمات مادران و کودکان را نیز در دستور کار خود قرار دادند . با وجود اینکه اکنون بیش از صد سال از آنروز میگذرد هر چند زنان با مبارزات مداوم و حق طلبانه ، موفق به کسب بسیاری از حقوق قانونی خود شده اند ، ولی هنوز بسیاری از این خواسته ها همچنان به قوت خود باقی است . موقعیت آنان همچنان در درجه دوم قرار دارد و تبعیض علیه آنان بیداد میکند . هنوز خشونت علیه زنان جزو لاینفک نظام مردسالار جهانی است . در کشورهای اسلامی قوانین زن سنتز مذهبی ، بر خشونت علیه زنان مهر تأیید می گذارد . هنوز زنان اولین قربانیان رکود و بحران اقتصادی جوامع پیشرفته و در حال توسعه هستند . بازارهای جهان انباشته از کالاهایی است که زنان کارگر ، و زحمتکش در حالیکه بار مضاعف کار خانگی و مواظبت از فرزندان و ساخوردگان را بدوش میکشند ، ارزانترین نیروی تامین کننده آن را تشکیل میدهند . هنوز در جنگ های تجاوزگرانه و خاتمان برانداز ، زنان ، در شمار بزرگترین قربانیان جنگ و خرابی های ناشی از آن محسوب می شوند . و بالاخره نظم اجتماعی موجود بر اساس جهانی سازی نئولیبرالی ، بر کنترل جنسیتی ، بر سازماندهی سیستماتیک خشونت از طریق نظامیگری و جنگ و نابرابری قرار دارد .

واقعیت این است که در ایران ، نظام سرمایه داری با ارتجاع مذهبی ، فرهنگی و حقوقی سهمگینی گره خورده است که رژیم جمهوری اسلامی نماینده آن است . موقعیت زن در نظام اسلامی ، از وضعیت زن همچون جنس دوم ، که در همه جوامع سرمایه داری با شدت و ضعف وجود دارد بسیار بدتر است . اگر تا قبل از به حاکمیت رسیدن جمهوری اسلامی ، مذهب بعنوان اهرم نیرومند پدرسالاری و مردسالاری با رواج عرف و عادات عقب مانده در خدمت تثبیت موقعیت فرو دست زنان قرار داشت ، با به حکومت رسیدن جمهوری اسلامی ، احکام مذهبی شریعت در آمیخته با حاکمیت سرمایه داری ، به آپارتاید جنسی شکل قانونی داد . از اینرو جنبش زنان به دلیل وجود قوانین و رژیم اسلامی از یکسو و از سوی دیگر به دلیل فرهنگ مرد سالارانه ، موانع زیادی را پیش رو داشته و دارد . در جوامعی چون جامعه ما زنان عمدتاً در چندین جبهه مبارزات خود را به پیش میبرند : در جبهه مناسبات فرهنگی عقب مانده در خانواده و جامعه که از سوی جمهوری اسلامی بشدت حراست می شود ، و همچنین علیه مناسبات سرمایه داری که تمامی زنان در جهان از آن تاثیر میپذیرند . از این منظر جنبش زنان واقعیتی است که در درون تضادهای طبقاتی قرار دارد . نمیتوان این مساله را نادیده گرفت که معضل اکثریت زنان در جامعه ما بیکاری ، فقر و استثمار شدید است . فقر و تنگدستی میلیونها نفر را در ایران شدیداً تحت فشار قرار داده است . زنان بیش از نیمی از این بخش و فقیرترین فقرا را تشکیل میدهند . اگر بیکاری یکی از معضلات جامعه است ، زنان خود بخش عظیم بیکاران را تشکیل میدهند . طبق آمار سال ۸۹ میزان اشتغال زنان ۱۶ درصد در مقابل ۶۱٫۷ درصد مردان بوده است . علاوه بر این به دلیل محدود بودن فرصتهای شغلی ، زنان به ناچار جذب مشاغلی با دستمزد بسیار پائین شده و یا به خیل عظیم کارگران شاغل در کارگاههای کوچک ، کارگاههای خانگی ، مغازه ها ، مراکز خدماتی ، قالبیافیها می پیوندند و یا در بخش غیر رسمی شروع به کار می کنند . این کارگران با دستمزدی بسیار پائین تر از حقوق مصوب ، بدون بیمه و قرارداد کاری ، بدون ساعات کاری معین و داشتن مرخصی قانونی ، مشغول به کار شده و به شدیدترین شکل ممکن استثمار میشوند . این توده عظیم زنان نیروئی است که با تشکل یابی خود ، با تاکید بر خواستههای مستقل خود ، با به میدان آمدن میلیونی اش ، و با به چالش کشیدن نظام آپارتاید جنسی و رسوبات فرهنگی مردسالارانه ، تحولی گسترده و رادیکال را در جنبش زنان بوجود میآورد .

اما جنبش زنان امسال در ایران ، در شرایط بسیار دشوار تری به استقبال هشت مارس میرود : در شرایطی که تحریمهای اقتصادی و کابوس جنگ ، برای مردم فاجعه ای شده است . و همزمان با گسترش

تحریمهای مرگبار، آوای جنگ هر روز گوشخراشتر بگوش میرسد. در شرایطی که تحریمها و تبعات ناشی از آن، تورم، سقوط ارزش ریال، افزایش بیکاری، کمبود برخی اقلام بیش از پیش گلوی مزد و حقوق بگیران و بخصوص زنان که جزو فقیرترین و شکننده ترین لایه های اجتماعی هستند را میفشارد. در چنین شرایطی، گفتمان فمینیستی نئولیبرالی به امپریالیسم چشم دوخته، مدافع دخالت نظامی قدرتهای امپریالیستی است. تصور اینکه جنگ چه مصائبی به بار میآورد کار چندان دشواری نیست. هنوز مصائب ناشی از "دمکراسی" تحمیلی امپریالیستی به مردم عراق و افغانستان ترمیم نیافته است. کافی است نگاهی به وضعیت عراق و افغانستان بیاندازیم. تازه ترین نمونه های این دخالتهای به اصطلاح بشر دوستانه، در لیبی کاملاً نتایج خود را نشان میدهد که چگونه قدرتهای سرمایه داری پس از به خاک و خون کشیدن این کشور و از بین بردن زیر ساختهای جامعه، در به حکومت رساندن تاریک اندیش ترین و عقب مانده ترین نیروهای اجتماعی برای پیشبرد برنامه نئولیبرالیستی و البته شریعت اسلامی کمک کردند و طبق معمول زنان اولین قربانیان آن بودند (اولین اقدام "انقلابی" رئیس شورای انتقالی لیبی مینا قرار دادن قوانین شریعت اسلامی و آزادی چند همسری بود).

عملکرد تاریخی و سیاسی جمهوری اسلامی و امپریالیسم نشان میدهد که هر دو دارای خصائل مشترک پدرسالارانه، استبدادی، جنگ طلبانه و زن ستیزانه هستند. آنها برای رسیدن به اهداف مهم و اساسی براحتی تیانی و سازش کرده، منافع آنان در ضدیت با منافع زنان و مردم منطقه قرار دارد و حاضرند برای پیشبرد منافع خود، زنان را قربانی کرده و به بردگی بکشانند. منافع ملی را به غارت ببرند و مردم را به جان یکدیگر بیاندازند. از اینرو دستیابی به هر درجه از آزادیها و حقوق دمکراتیک زنان در ایران، در گرو تکیه به نیروی عظیم توده ای خود زنان، بخصوص زنان کارگر و زحمتکش، خود تشکیل یابی در سطوح مختلف، حضور توده ای، وسیع و آگاهانه و سازمانیافته زنان در عرصه های مختلف، به میدان آوردن مطالبات مشخص، اتحاد و همبستگی با دیگر جنبشهای اجتماعی، بخصوص جنبش طبقه کارگر و درگرو سرنگونی حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی است.

سرنگون باد رژیم زن ستیز اسلامی ایران
نه به جنگ، نه به امپریالیسم
پایدار باد مبارزه برای رهائی و برابری زنان
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اسفند ۱۳۹۰ - مارس ۲۰۱۲

www.rahekeregar.com

www.rahekaregarnews.com

www.asj-iran.com